

حرص یا یک شهوت نامحدود!

اغنی الغنی من لم یکن للحرص اصیراً
بی نیازترین توانگران کسی است که اسپر حرص نباشد
امام جعفر صادق (ع)

- * بررسی نیازمندیهای زندگی
- * حرص را نکند نعمت دو عالم سیر
- * اسلام بحفظ جنبه تمادل نظر دارد

از نخستین روزیکه بشر در این کره خاکی قدم نهاده و زندگی را آغاز میکنند نیاز -
مندیهای گوناگونی پیرامون وجودش را احاطه نموده او را در یک محاصره شدید قرار
میدهند یکدسته از آنها ضروریات ابتدائی زندگی است؛ که بقاء و حفظ نظام حیاتی انسان
با آنها پیوند ناگسستی دارد مثلاً غذا؛ لباس؛ مسکن از چیزهایی است که هرگز نمیتوان
جلو اینگونه نیازمندیهای طبیعی را سد کرد، دسته دیگر حوائج غیر ضروری است که دائماً
در تحول است و دامنه این قبیل توقعات و خواسته ها با اندازه ای وسیع و نامحدود است که
دسترسی بتمام آنها غیر مقدور؛ و در حقیقت رؤیای پر هیجانی بیش نیست.

هر فردی طبق انگیزه طبیعی و حس احتیاج بدنال تحصیل مال میرود، در پر تو استعداد
خویش با مشکلات و موانع بمبارزه می پردازد چون قوام و رونق زندگی بمال بستگی
کامل دارد قهراً حالات گوناگونی در انسان پدید میآید اگر معیشت آدمی بسختی افتاد
و موقعیتهای خاصی او را در شرائط جانفرسا و فشار خردکننده فقر گرفتار ساخت زبونی و
پا توانی را در خود احساس میکند؛ در پی خواستههایی آشفته و پریشان گردیده؛ و بهر وسیله ای
برای بر طرف ساختن فقر توسل بیجوید از طرفی غنا و ثروت فراوان نیز غالباً با کبر و

آلودگی همراه و گویی بین آنها یکنوع رابطه و همبستگی خاصی برقرار می‌باشد وقتی ثروت بیدریغ و کلیه ابزار و تسهیلات کافی در اختیار انسان قرار گرفت، سرمست از یاده غرور و نخوت گردیده هوسهای بی پایان در مغز وی راه پیدا می‌کند.

زندگانی بشر دارای تجلیات و اشکال گوناگون و هر کس با نظر خاصی در آن مینگرد زیرا سطح استعداد فکری و عقلی مردم یکسان نیست؛ هنوز افکار توده‌های عظیمی از افراد بشر با این مرحله از کمال نرسیده است که حقیقت زندگانی را ادراک و منطقه سلامت و نجات را از منطقه خطر تمیز دهند، درک این واقعیت و عروج به پایگاه عالی سعادت و نیکبختی مستلزم مطالعه در پیرامون اسرار وجود و بالاخره «خود شناسی» است. و آنهم جز در قلمرو عقل و منطق مقدور نیست.

انسان باید بداند برای چه منظوری بی‌آزار وجود آمده است، تا به تمضای این شناسایی تلاش در راه سعادت را آغاز و طریق تعالی را بروفق حوائج روانی و سرشت خود برگزیند؛ و از عیوب نا مطلوبی که با تکامل روحی متباین و رشد شخصیت را متوقف می‌سازد اجتران جوید.

رستگاری آن نیست که آدمی در استفاده از منابع مادی گوی سبقت را از سایرین برده و راه تعالی پوید، امور مالی هرگز قطب اساسی زندگی نیست و نباید بخاطر نیل بدان حصار تقوی و فضیلت را شکست و شرائط انسانی را در بوته فراموشی گذارد کسب سرمایه‌های معنوی و روحی هدف اصلی زندگی و مهمترین و پرازش‌ترین دارائی بشر محسوب میشود کسیکه خزانة روحش از ثروت‌های معنوی لبریز گردید کمتر احساس احتیاج بدنیای خارج میکند؛ در سایه آنها یکنوع استغنا و طبع بدست می‌آورد که در تمام مراحل عمر با وی همراه، و چنین فردی هیچگاه شخصیت و دارائی خود را با مال و تجملات مبادله نخواهد کرد.

حرصیص را نکند نعمت دو عالم سیر

حرص یا آز یک حالت درونی است؛ که انسان را بنجس دائمی ثروت و نفع مادی و امیدارد، بطوریکه امور مالی همچون قطبی میشود که افکار و تلاشها و کوششها بر محور آن دور میزند؛ این تمایل شوم افراطی از نیروی خطر ناک شهوت سرچشمه گرفته و از عوامل تیره روزی و بدبختی انسان بشمار می‌آید، و پیوسته رؤیای سعادت موهومی، کلیه حواسش را بخود معطوف میدارد؛ و بالاخره بقدری پای بند عشق مال میشود که همه چیز را فراموش و حتی حاضر است فضائل اخلاقی و اصول انسانیت را در آستان آن قربانی کند؛ و هر چه بیشتر برداننده فعالیت و سرعت حرکت خود می‌افزاید احساس احتیاج در او عمیقتر؛

فیلسوفی میگوید: ثروت و دارایی اثر آبشور را دارد هر چه انسان زیاد تر از این آب بیاشامد بیشتر در خویشتن احساس تشنگی میکند؛ آری

حریص را نکند نعمت دو عالم سیر همیشه آتش سوزنده اشتها دارد؛

این اندیشه اگر بر روح ملتی مستولی گشت بجای استقرار امنیت و عدالت صحنه حیات اجتماعی آنها بیک میدان نبرد و تنازع تبدیل؛ و تصادمات سختی میان افراد جامعه درمی-گیرد بدیهی است در یک چنین شرائطی بسط اخلاق و معنویات نیز امکان پذیر نخواهد بود البته باید باین نکته توجه داشت که مسئله ترقی و تکامل در شئون مختلف زندگی با اصول پول پرستی تفاوت کلی دارد لذا باید خط فاصلی در میان کشید و حساب هر یک را از دیگری جدا ساخت. زیرا انسان در سیر اجتماعات بشری مانعی برای تحول و پیشروی ندارد بلکه لازم است در پناه ادراکات فطری و استعداد ذاتی خویش برق آسا پیش رود

اصولاً نحوه فعالیت و تکاپوی آزمندان یکرشته بدبختیها و ناکامیها را نیز در اجتماع بیار میآورد آنان بدون پیروی از اصول عدالت میخوانند حوائج خود را بیهای فلاکت افراد دیگر تأمین کنند؛ بهمین سبب بمنظور دستیابی بمنافع بیشتر کلیه منافع تولید ثروت را قبضه کرده و در ایجاد بحرانهای شدید اقتصادی و فقر عمومی عامل فوق العاده مؤثری هستند.

شکی نیست که مسرت و محنت هر یک بنوبه خود قسمتی از زندگی انسان را فرامیگیرد و هر کس در دنیا اعم از فقیر و توانگر بفرخور حال خود از ملامت و اندوه بهره ای دارد، ولی ثروتیکه از دائره احتیاجات تجاوز کند مسلماً در خوشبختی انسان مؤثر نیست؛ سقراط میگوید:

و برخی از مردم نه جواهرات دارند نه دارایی و نه لیا سهای فاخر و نه کاخهای مشید و با وجود این زندگانی را هزار بار خوشتر از ثروت مندانشان بسر میبرند؛

حریص بحقیقت اسیر و بنده مال بوده و سلسله و زنجیر نامرئی را بگردن نهاده است و تسلیم افکار ناپخته خویش است؛ و تصور میکند این ثروت هنگفت که حتی طبقات بعد از خودش را نیز بی-نیاز میکند، یک ذخیره احتیاطی است که برای روز مبادا تهیه دیده اما هنگامی باشتابه خود پی میبرد؛ که ساعت عمر زنگ خطر را مینوازد، و پایان دقائق زندگی درد انگیز را اعلام میکند؛ در آن لحظات حساس با یأس و ناامیدی به اندوخته هائی که محصول یک عمر رنج و مشقت است نگر بسته؛ و سرانجام بایک دنیا حسرت و ندامت آرزوها و رویاهای طلائی را با خود بگور میبرد.

اسلام بحفظ جنبه تعادل نظر دارد

اسلام در عین حال که پیشروی و ترقیات در جمیع شئون زندگی را مبتنی بر میزان فعالیت

انسان دانسته ، ضمن ترغیب و دعوت مردم بجدیت و کوشش ، ازدلبستگی و توجه بیش از حد به علائق مادی نیز که مایهٔ بدبختی و محرومیت از حریم سعادت جاویدان و هدف واقعی زندگی است شدیداً منع کرده است ؛ امام محمد باقر (ع) حقیقت زندگی حریص را با تشبیه جالبی مجسم میکند : مثل الحریص علی الدنيا کمثل دودة القز كلما ازادت من القز علی نفسها لفاکان ابدالها من الخروج حتی تموت غمماً- آزمون نسبت بدنیا بکرم ابریشم شباهت دارد هر چه بیشتر پیرامون خود می تند راه نجات خویش را دشوار تر مینماید تا آنکه آنکه از فرط اندوه در آن میان جان میسپارد ! (اصول کافی باب حب الدنيا) این آئین مقدس که باندای فطرت هماهنگ است اصل تعادل را بین جنبهٔ مادی و معنوی در نظر گرفته و راهی را برای پیروان خود بر گزیده است ، که سعادت جسمی و روحی آنان را تضمین میکند ، پیروان مکتب دین چون به حقائق عالیتری توجه دارند دارای روحی تزلزل ناپذیر و غیر قابل شکستند ؛ هر گاه در میدان نبرد زندگی بواطة فقدان شرائط ؛ پیشروی نکنند ، فقر و تهیدستی خود را بی بهترین وجهی با ذخائر عالی معنوی جبران میکنند ، از ناسازگاریها درمانده و پریشان نمیشوند ، همین نیروی ایمان با آنان آرامش و شکیبایی خاصی میبخشد .

قناعت از اوصافی است که صاحب آن بمیزان تأمین هزینهٔ زندگی و رفع نیاز مندیهای اصلی خود بتلاش و تکاپو میافند ، با عقل و تدبیر امور زندگی را تنظیم و تعدیل نموده ؛ و سعادت خود را با تلاشهای بیهوده لکه دار نمیسازد و با آنچه از راه مشروع بدست میآورد دلخوش است همین شیوهٔ خردمندانه بوی فرصت میدهد ، که برای رسیدن به هدف عالیتری بذل مساعی نموده ؛ و از فضائل و انسانیت بهره گیرد ؛ قناعت پیشه به بزرگترین ثروت میرسد ، زیرا با تحصیل رضایت باطنی ، در خویشتن احساس بی نیازی میکند ؛ و حقیقت ثروت و مکننت نیز همان بی نیازی است امیر مؤمنان علی علیه السلام بایمانی نغز و شیوا این مطلب را گوشزد میکند : ان اکیس الناس من اقتنی الیاس و لزم القنوع و الورع و بریء من الحرص و الطمع فان الطمع و الحرص الفقر الحاضر و ان الیاس و القناعة الغنی الظاهر - یعنی برآستی که زیرک ترین افراد کسی است که نومیدی از مردم را سرمایه خود سازد ؛ قناعت و پارسائی را پیشه کند ، و از حرص و طمع بیزاری جوید . زیرا حرص و طمع برابر با فقر و ناداری است و نومیدی از خلق و قناعت توانگری است آشکارا .

پس باین نتیجه میرسیم که بیماری خطرناک حرص جز در سایهٔ ایمان درمان پذیر نبوده ، و تحصیل آرامش خاطر و رضایت باطنی تنها با تقویت نیروهای معنوی میسر است .